

مکالمه‌ی بی‌کتاب

۵۰ جمله‌ای که آدم‌ها واقعاً استفاده می‌کنن

Sound real, not rehearsed.

درسنامه، مثال و جای تمرین شخصی

Lesson Book

ENGLISH FAN

englishfan.academy

چطور از این جزوه استفاده کنی؟

۱

جمله و مثال را یکبار با صدای بلند بخوان.

۲

به موقعیتی فکر کن که واقعاً به این جمله نیاز داری.

۳

مثال شخصی خودت را بنویس و بلند تکرار کن.

۴

بعد از هر پنج جمله، سراغ فایل تمرین برو.

این جمله‌ها بیشتر برای مکالمه‌های روزمره و خودمونی‌اند.
هدف حفظ کردن نیست؛ هدف استفاده‌کردنه.

بخش 1

جواب‌های طبیعی و کوتاه

پنج واکنش کوتاه که مکالمه را طبیعی‌تر می‌کنند.

5 NATURAL PHRASES

پنج جمله، پنج موقعیت واقعی

Sounds good.

معنی

خوبه! موافقم.

EXAMPLE

We can meet after class. Sounds good.

می‌تونیم بعد از کلاس همدیگه رو ببینیم. خوبه.

مثال خودت

My example:

Fair enough.

معنی

منطقیه؛ قبول.

EXAMPLE

You need more time? Fair enough.

زمان بیشتری لازم داری؟ منطقیه.

مثال خودت

My example:

That makes sense.

معنی

منطقیه؛ قابل درکه.

EXAMPLE

You were tired, so you went home early. That makes sense.

خسته بودی و زود رفتی خونه. منطقیه.

مثال خودت

My example:

Good for you!

معنی

آفرین؛ چه عالی!

EXAMPLE

You passed the exam? Good for you!

امتحان رو قبول شدی؟ آفرین!

مثال خودت

My example:

Lucky you!

معنی

خوش به حالت!

EXAMPLE

You have the whole weekend off? Lucky you!

تمام آخر هفته تعطیلی؟ خوش به حالت!

مثال خودت

My example:

بخش 2

موافقت و مخالفت واقعی

بدون جواب‌های کتابی، نظرت را طبیعی بگو.

5 NATURAL PHRASES

پنج جمله، پنج موقعیت واقعی

I'm with you.

معنی

باهات موافقم؛ همراهتم.

EXAMPLE

I'm with you. We should start earlier.

باهات موافقم. باید زودتر شروع کنیم.

مثال خودت

My example:

You have a point.

معنی

حرفت بی‌راه نیست.

EXAMPLE

You have a point. The price is too high.

حرفت بی‌راه نیست. قیمت خیلی بالاست.

مثال خودت

My example:

Not really.

معنی

نه زیاد؛ نه دقیقاً.

EXAMPLE

Do you like horror movies? Not really.

فیلم ترسناک دوست داری؟ نه زیاد.

مثال خودت

My example:

I don't think so.

معنی
فکر نکنم.

EXAMPLE

Is the café still open? I don't think so.

کافه هنوز بازه؟ فکر نکنم.

مثال خودت

My example:

It's not my thing.

معنی

سلیقه‌ام نیست؛ من اهلش نیستم.

EXAMPLE

Camping is fun, but it's not my thing.

کمپ‌زدن جالبه، ولی من اهلش نیستم.

مثال خودت

My example:

بخش 3

احوال پرسى خودمونی

گفت‌وگو را مثل آدم‌های واقعی شروع کن.

5 NATURAL PHRASES

پنج جمله، پنج موقعیت واقعی

How's it going?

معنی

اوضاع چطوره؟

EXAMPLE

Hey, Sara! How's it going?

سلام سارا! اوضاع چطوره؟

مثال خودت

My example:

What's up?

معنی

چه خبر؟! چی شده؟

EXAMPLE

You look worried. What's up?

نگران به نظر میای. چی شده؟

مثال خودت

My example:

Long time no see!

معنی

خیلی وقته ندیدمت!

EXAMPLE

Long time no see! How are you?

خیلی وقته ندیدمت! چطوری؟

مثال خودت

My example:

How have you been?

معنی

این مدت چطور بودی؟

EXAMPLE

How have you been since graduation?

از وقتی فارغ التحصیل شدی چطور بودی؟

مثال خودت

My example:

Can't complain.

معنی

بد نیستم؛ جای شکایت نیست.

EXAMPLE

How's work? Can't complain.

کار چگونه؟ بد نیستم، جای شکایت نیست.

مثال خودت

My example:

بخش 4

پایه بودن و برنامه چیدن

قبول کردن یا رد کردن برنامه، کوتاه و خودمونی.

5 NATURAL PHRASES

پنج جمله، پنج موقعیت واقعی

I'm in.

معنی

من هستم؛ پایه‌ام.

EXAMPLE

We're ordering pizza. I'm in.

می‌خوایم پیتزا سفارش بدیم. من هستم.

مثال خودت

My example:

Count me in.

معنی

منم حساب کن.

EXAMPLE

Are you going hiking? Count me in.

می‌رید کوهنوردی؟ منم حساب کن.

مثال خودت

My example:

I'm down.

معنی

پایه‌ام؛ موافقم. کاملاً خودمونی.

EXAMPLE

I'm down for coffee after work.

برای قهوه بعد از کار پایه‌ام.

مثال خودت

My example:

Works for me.

معنی

برای من مناسبه.

EXAMPLE

Seven o'clock works for me.

ساعت هفت برای من مناسبه.

مثال خودت

My example:

Maybe next time.

معنی

شاید دفعه‌ی بعد.

EXAMPLE

I can't join tonight. Maybe next time.

امشب نمی‌تونم بیام. شاید دفعه‌ی بعد.

مثال خودت

My example:

بخش 5

وقت و برنامه‌ی روزانه

برای قرارها، تأخیر و پایان روز آماده باش.

5 NATURAL PHRASES

پنج جمله، پنج موقعیت واقعی

I'm running late.

معنی

دارم دیر می‌رسم.

EXAMPLE

I'm running late. I'll be there in ten minutes.

دارم دیر می‌رسم. ده دقیقه دیگه اونجام.

مثال خودت

My example:

Give me a sec.

معنی

یه لحظه بهم وقت بده.

EXAMPLE

Give me a sec. I'm almost ready.

یه لحظه بهم وقت بده. تقریباً آماده‌ام.

مثال خودت

My example:

Take your time.

معنی

عجله نکن؛ با خیال راحت.

EXAMPLE

Take your time. We're not in a hurry.

عجله نکن. ما عجله‌ای نداریم.

مثال خودت

My example:

I'm on my way.

معنی

تو راهم.

EXAMPLE

I'm on my way. See you soon.

تو راهم. به زودی می بینمت.

مثال خودت

My example:

Let's call it a day.

معنی

برای امروز بسه؛ تمومش کنیم.

EXAMPLE

We're all tired. Let's call it a day.

همه خسته‌ایم. برای امروز بسه.

مثال خودت

My example:

بخش 6

حال و احوال واقعی

وقتی خوب، خسته، گرسنه یا بی‌حوصله‌ای.

5 NATURAL PHRASES

پنج جمله، پنج موقعیت واقعی

I'm wiped out.

معنی

خیلی خسته‌ام؛ له شدم.

EXAMPLE

I worked all day. I'm wiped out.

تمام روز کار کردم. خیلی خسته‌ام.

مثال خودت

My example:

I'm starving.

معنی

خیلی گرسنه‌ام؛ از گشنگی مردم.

EXAMPLE

I skipped lunch. I'm starving.

ناهار نخوردم. از گشنگی مردم.

مثال خودت

My example:

I'm broke.

معنی

پول ندارم؛ جیبم خالیه.

EXAMPLE

I can't buy it now. I'm broke.

الان نمی‌تونم بخرمش. پول ندارم.

مثال خودت

My example:

I'm not in the mood.

معنی

حوصله‌اش رو ندارم.

EXAMPLE

I'm not in the mood to go out tonight.

امشب حوصله بیرون رفتن ندارم.

مثال خودت

My example:

I'm over it.

معنی

دیگه ازش خسته شدم؛ برام تموم شده.

EXAMPLE

We argued enough. I'm over it.

به اندازه کافی بحث کردیم. دیگه برام تموم شده.

مثال خودت

My example:

بخش 7

اشتباه، آرامش و دلگرمی

اشتباه را جمع کن و طرف مقابل را آرام کن.

5 NATURAL PHRASES

پنج جمله، پنج موقعیت واقعی

No big deal.

معنی

مسئله‌ی مهمی نیست.

EXAMPLE

You forgot my pen? No big deal.

خودکارم رو یادت رفت؟ مسئله مهمی نیست.

مثال خودت

My example:

No worries.

معنی

اشکالی نداره؛ نگران نباش.

EXAMPLE

Sorry I'm late. No worries.

ببخشید دیر کردم. اشکالی نداره.

مثال خودت

My example:

It happens.

معنی

پیش میاد.

EXAMPLE

I sent the wrong file. It happens.

فایل اشتباهی فرستادم. پیش میاد.

مثال خودت

My example:

My bad.

معنی

تقصیر من بود؛ اشتباه از من بود.

EXAMPLE

My bad. I gave you the wrong address.

تقصیر من بود. آدرس اشتباهی بهت دادم.

مثال خودت

My example:

You've got this.

معنی

از پیشش برمیای.

EXAMPLE

Take a deep breath. You've got this.

یه نفس عمیق بکش. از پیشش برمیای.

مثال خودت

My example:

بخش 8

درخواست و هماهنگی

کمک بخواه، خبر بگیر و تعارف کن.

5 NATURAL PHRASES

پنج جمله، پنج موقعیت واقعی

Do me a favor.

معنی

یه لطفی در حقم بکن.

EXAMPLE

Do me a favor and close the door.

یه لطفی بکن و در رو ببند.

مثال خودت

My example:

Give me a hand.

معنی

یه کم کمک کن.

EXAMPLE

Can you give me a hand with these boxes?

می‌تونی برای جابه‌جایی این جعبه‌ها کمک کنی؟

مثال خودت

My example:

Keep me posted.

معنی

منو در جریان بذار.

EXAMPLE

Keep me posted about the meeting.

منو درباره جلسه در جریان بذار.

مثال خودت

My example:

Let me know.

معنی

بهم خبر بده.

EXAMPLE

Let me know when you get home.

وقتی رسیدی خونه بهم خبر بده.

مثال خودت

My example:

Help yourself.

معنی

بفرما! خودت بردار.

EXAMPLE

The cookies are on the table. Help yourself.

شیرینی‌ها روی میز هستند. بفرما، خودت بردار.

مثال خودت

My example:

بخش 9

تعجب و واکنش سریع

برای خبرهای عجیب، لحظه‌های حساس و نفس راحت.

5 NATURAL PHRASES

پنج جمله، پنج موقعیت واقعی

No way!

معنی

امکان نداره!! جدی می‌گی؟

EXAMPLE

You met my favorite actor? No way!

بازیگر مورد علاقه‌ام رو دیدی؟ امکان نداره!

مثال خودت

My example:

You're kidding!

معنی

شوخی می‌کنی!

EXAMPLE

You won two tickets? You're kidding!

دو تا بلیت بردی؟ شوخی می‌کنی!

مثال خودت

My example:

Seriously?

معنی
جدی؟

EXAMPLE

You finished the whole project today? Seriously?

کل پروژه رو امروز تموم کردی؟ جدی؟

مثال خودت

My example:

That was close.

معنی

نزدیک بود؛ خطر از بیخ گوشمون گذشت.

EXAMPLE

We almost missed the train. That was close.

نزدیک بود قطار رو از دست بدیم. خطر از بیخ گوشمون گذشت.

مثال خودت

My example:

What a relief!

معنی

آخیش؛ خیالم راحت شد!

EXAMPLE

The test results are fine. What a relief!

نتیجه آزمایش خوبه. آخیش، خیالم راحت شد!

مثال خودت

My example:

بخش 10

وصل کردن حرف‌ها

مکالمه را روان‌تر کن و حرفت را طبیعی ادامه بده.

5 NATURAL PHRASES

پنج جمله، پنج موقعیت واقعی

By the way, ...

معنی
راستی...

EXAMPLE

By the way, did you call Mina?

راستی، به مینا زنگ زدی؟

مثال خودت

My example:

To be honest, ...

معنی

راستش را بخوای...

EXAMPLE

To be honest, I didn't enjoy the movie.

راستش را بخوای، از فیلم خوشم نیومد.

مثال خودت

My example:

It depends.

معنی

بستگی داره.

EXAMPLE

Is online learning easy? It depends.

یادگیری آنلاین راحت؟ بستگی داره.

مثال خودت

My example:

I guess so.

معنی

فکر کنم آره.

EXAMPLE

Are we ready to leave? I guess so.

آماده‌ایم بریم؟ فکر کنم آره.

مثال خودت

My example:

We'll see.

معنی

باید دید؛ حالا ببینیم.

EXAMPLE

Will you join us tomorrow? We'll see.

فردا با ما میای؟ باید دید.

مثال خودت

My example:

تبریک!

تو حالا ۵۰ جمله‌ی واقعی برای مکالمه داری.

مرحله‌ی بعد

فایل تمرین را باز کن و بدون نگاه کردن جواب بده.
هر جمله‌ای را که اشتباه زدی، همان روز در یک مکالمه استفاده کن.

برای تعیین سطح و دریافت مسیر یادگیری مخصوص خودت

کلمه‌ی «شروع» را برای ما بفرست.

ENGLISH FAN

@englishfan.academy